

پاورقی (۶)

فصل تغییر

دایان دوکریه . ترجمه: محمدعلی عسکری



آنتونیو سالازار

اما در همان زمانی که داشت این دل‌ها از هم گسیخته می‌شد، انقلابی در داخل آن خانواده مالک پرتغالی پدید آمد. در اوایل مارس سال۱۹۰۸ بود که پادشاه شارل‌اول و فرزند تازه‌متولدشده‌اش در لیسبون به دست آشوبگران جمهوریخواهی که بر راهبای از نظام پادشاهی فرسوده اصرار داشتند، ترور شدند. تردیدی وجود ندارد که نظام حاکم داشت لحظات پایانی‌اش را می‌گذراند. در همان زمان که مانوئل‌دوم داشت بر تخت می‌نشست، فلیسمینا تصمیم گرفت همچنان به تعهدات دینی‌اش پایبند باشد. بنابراین با اسم مستعار زالیا قصیده‌ای سرود و در روزنامه وطن که مرتبط با کلیسا بود، به چاپ رساند. در این قصیده به صراحت با افکار جمهوریخواهی و نسیم‌های آزادی مخالفت کرد؛ افکاری که آن‌روزها طرفداران بسیاری داشت.

وقتی فهمید آنتونیو‌نامی در بین دانش‌آموزانی است که به‌زودی لباس کشیشی خواهد پوشید، فروپریخت. او دست‌آخر یک کشیش خواهد شد. پس چرا از او دوباره دعوت کرده بود تا تعطیلات تابستان‌شان را در سانتاکومبا بگذرانند. آن‌دو با هم برخورد کردند تا دوران لذت‌بخش‌تری را در زندگی‌شان تجربه کنند. در باغ، روی یک تخته‌سنگ بزرگ می‌پرد و دست‌هایش را به طرف آسمان می‌گرفت. در همان حال آنتونیو به او نزدیک می‌شد: «وقتی به من نزدیک می‌شید، به خود می‌لرزیدم. قبل از اینکه مرا لمس کند دستش را می‌گرفتم و به‌شدت کنار می‌زدم.»

فلیسمینا یک‌بار دیگر تصمیمش را عوض کرد و سال ۱۹۱۰ و ویسو بازگشت تا نزدیک او باشد. نخستین مشاجرات همان‌موقع شروع شد. یک‌روز آنتونیو را دید که سالازار در است و با خود دسته‌ای گل بنفشه دارد. این گل‌ها را می‌خواهد به چه کسی هدیه کند؟ این چه کسی است که او را تا این حد خوشحال کرده است؟ آنتونیو داشت به زن دیگری فکر می‌کرد، یعنی خواهر یکی از رفقایاش؛ دختری از یک طبقه ثروتمند. روز بعد بود که با گروهی از دانش‌آموزان ملاقات کرد. فلیسمینا را هم به همراه خواهر کوچک‌ترش دید. نزدیک شد تا با او شوخی کند. با آنها درباره «ناتالیا ده سوزا» همان دختری که با او رابطه داشت، حرف زد. هرمنیا از حرف‌هایش ریشه رفت و خندید. به حالت نشگی جلو آمد، به حالتی که تقریباً از او انتظار نمی‌رفت: «آیا می‌تونم قلقلکت بدم؟» این گفت‌وگو به جایی رسید که فلیسمینا نمی‌توانست بدون اینکه به غیرتش برخورد باشد، درباره آن حرف بزند. درباره ناتالیا ده سوزا تنها گفت: «از این همه قیاحت متاسفم.» جنگ شروع شده بود.

اما برای سالازار در سال ۱۹۱۰ شاغلان دیگری غیاز این کارها وجود داشت. ماه نوامبر از علوم الهی دست کشید تا در «کوامبرا» حقوق بخواند. زمانی را که او برای کنارگذاشتن زندگی رهبانی انتخاب کرد، اهمیت کمی نداشت. در لیسبون، چندهفته می‌شد که تنش‌های سیاسی به اوج خود رسیده بود. ترور پادشاه در سال۱۹۰۸ منجر به دوران دیکتاتوری واقعی تحت قبضه «خواو فرانکو» شد. اما سیاست سرکوبگرانه‌ای را که او پی گرفت، اوضاع را بدتر کرد تا جایی که به مرگ پادشاه و ولیعهدش ختم شد. در نتیجه «امانوئل‌دوم» که تنها ۱۹سال داشت و آدم ضعیفی بود، برآم و نشست. او از ایجاد همگرایی بین احزاب مختلف سیاسی ناتوان بود. دولت‌ها یکی بعد از دیگری سقوط می‌کردند. سوم‌نوامبر بود که نخستین جمهوری پرتغال اعلام شد. همان‌موقع بود که آنتونیو سالازار خود را برای ورود به یکی از مشهورترین دانشگاه‌های کشور ایستاد.

این تصمیم که به نظر می‌رسد از شیفتگی تازه‌های سالازار به سیاست ناشی می‌شد، درواقع به «آنتونیو خاویه کورتیه» آخرین فرزند خانواده «پرسترالو» برمی‌گشت که خیلی محترم و بانفوذ بود. او به پدر سالازار نصیحت حکیمانه‌ای کرد و گفت: «پسر تو هیچ تمایلی به کشیشی ندارد. او دیگر نباید به این مدرسه کاتولیکی ادامه دهد. پسر باهوشی است، باید تحصیالش را ادامه دهد.» در اتاقی بسیار محقرانه در «کوراسا ده استرالا» سکونت کرد. اما برای خوردن وعده‌های غذایی به‌سرآغ خانواده پرسترالو می‌رفت و با آنها غذا می‌خورد. «ماریا بینا پرسترالو» به‌شدت سفارش می‌کرد تا او غذا بخورد. چون نمی‌توانست او را لاغر و استخوانی ببیند.

آنتونیو در معاشرت با این جهان جدید آریستوکرات که خوردخوراکش را تامین می‌کردند، اعتمادبه‌نفس تازه‌ای پیدا کرد. خانواده‌های متمندی که دختران زیادی برای ازدواج داشتند، او را به شام در شهر دعوت می‌کردند. موقعیت مهم این خانواده، برای او درهای تازه‌ای گشود و بسیاری از تمایلات را در او بیدار کرد. لباس‌های تیره‌اش را به لباس‌های رنگارنگ تغییر داد و آداب و رسوم اجتماعی را یاد گرفت.

ادامه دارد...

جولای۲۰۱۱ بود که شهرهای مرده، یا همان روستاهای باستانی شمال سوریه، در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیدند، اما تقریباً می‌توان مطمئن بود، حتی به ذهن کارشناسان سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل‌متحد نیز خطور نمی‌کرد آتش چهارماهه جنگ داخلی در سوریه، نه‌تنها این میراث جهانی را با خطر نابودی مواجه کند، بلکه ناظران جنگ را نیز در تشخیص شهر حلب از ۴۰ روستای باستانی حومه‌غربی آن گمراه کند و اکنون در آستانه پنجمین‌سالگرد آغاز بحرانی خانمان‌سوز در سوریه، نمایندگان سازمان‌ملل‌متحد باری دیگر میانیجی شده‌اند تا شاید حلب، این بزرگ‌ترین شهر سوریه، را از بدل‌شدن هرچه‌بیشتر به یک خرابه‌مصون دارند.
راهکار نیز همانی است که «استان دی‌میسورا» نماینده سازمان‌ملل در امورسوریه، در چهارماه گذشته همواره بر آن تاکید داشته است: انجماد جنگ در مناطق تحت‌منارعه شورشیان و نیروهای دولتی که بنا بود از شهر حلب آغاز شود. حالا در مسیر صلح خبر داده است. دی‌میسورا که اخیراً در سفری به سوریه، با «بشار اسد»، رییس جمهوری آن کشور، دیدار مفصلی داشته، روز سه‌شنبه اظهار داشت دولت اسد آمادگی خود را برای توقف شش‌مقته‌ای بمباران هوایی و توپخانه‌ای شهر بزره‌اند حلب اعلام کرده است.
زمان دقیق آغاز آزمایشی طرح آتش‌بس محلی که بنابر تخمین سازمان‌های بین‌المللی، امکان کمک‌رسانی به حدود ۲/۸میلیون شهروندی را فراهم خواهد کرد که در شرایط بد آسانی به‌سر می‌برند، در روزهای آتی از سوی دولت سوریه اعلام خواهد شد. این درحالی است که به‌نظر می‌رسد اگر روند کنونی پیشروی نیروهای هوادار اسد در شهر حلب ادامه داشته باشد، شاید دیگر چندان‌نیازی به برقراری آتش‌بس، آن‌هم از نوع توپخانه‌ای وجود نداشته باشد. حلب که از اواسط

سال۲۰۱۲، به یکی از مهم‌ترین جبهه‌ها در جنگ داخلی سوریه بدل شده است، درحال حاضر به دوجبهه‌غربی و شرقی تقسیم شده که به‌ترتیب در کنترل شورشیان و هواداران اسد قرار دارند؛ آرایشی که احتمالاً در پی عملیات گسترده نیروهای دولتی علیه مواضع شورشیان تغییراتی اساسی به خود خواهد دید.
سازمان دیده‌بان حقوق‌بشر در سوریه روز گذشته اعلام کرده درگیری‌های گسترده در شمال حلب که به‌منظور تسلط بر راه‌های مواصلاتی شمال آن کشور صورت گرفته، کشته‌شدن ۷۰۰سرباز ارتش سوریه و بیش از ۸۰ جنگجوی شورشی را در پی داشته است. حاصل این درگیری‌ها، گذشته از تسلط ارتش سوریه بر جاده‌ای در شمال دامن زد تا مرز ترکیه ادامه دارد، تصرف حدود شش‌روستا به‌دست نیروهای دولتی بوده که شورشیان مستقر در غرب حلب را بیش‌ازپیش به محاصره ارتش آن کشور درآورده است. درصورت ازدست‌دادن کنترل راه‌های مواصلاتی، شورشیان سوریه که تلفیقی از بریکادهای

سوریه با برقراری آتش بس موقت ۶ماهه موافقت کرد

حلب، آتشی بی آتش بس



حلب، سوریه

اسلام‌گرای افراطی، جبهه‌النصره و یگان‌هایی میانه‌رو و تحت‌حمایت دولت‌های غربی هستند، حتی برای تأمین مایحتاج غذایی خود نیز با مشکل مواجه می‌شوند، چه رسد به آنکه بخواهند به تجهیزاتی جنگی که پیش‌تر از سوی ترکیه وارد می‌شد، دسترسی داشته باشند. با این اوصاف، می‌توان به بائیان این طرح حق داد که خود به‌عنوان میانیجی، امید چندانی به برقراری آتش‌بس محلی ندارند، حتی دی‌میسورا نیز که طرح کنونی حاصل تلاش‌های چندین‌ماهه او و همفکرانش است و موافقت دولت اسد را بارقه امیدی برای گسترش آتش‌بس در سرتاسر سوریه دانسته، معتقد است با نگاهی به تجربیات پیشین، نباید به این توهم دامن زد که آتش‌بس محلی به‌همین سهولت برپا خواهد شد. او هم‌صدا با مخالفان سوری اذعان داشته به گواهی تاریخ، ه‌ربار که پیشنهاد آتش‌بسی مطرح می‌شود، ستیزه‌جویی طرف‌های درگیر برای تصرف مواضع یکدیگر افزایش می‌یابد. شورای ملی مخالفان سوریه

متعهد به حفاظت از نیروها

«اشتون کارتر»، وزیر دفاع جدید آمریکا متعهد شد تا از جان نیروها حفاظت کرده و درباره اعزام‌شان به مناطق پرخطر با احتیاط تصمیم‌گیری کند. او ساعاتی پس از ادای سوگند با رئیس جمهوری آمریکا و معاونش درباره چالش‌های امنیتی پیش‌رو گفت‌وگو کرد. **(آسوشیتدپرس)**

در مظان اتهام

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از بودجه دولتی برای خانواده‌اش خرج کرده است. به گزارش دفتر بازرسی و حسابرسی در اسرائیل، نتانیاهو و همسرش به شکل «مفرط» از محل بودجه دولتی برای وسایل خانه و باغبانی محل سکونت خود هزینه کرده‌اند. **(بی‌بی‌سی)**

ملی در جریان عملیاتی، خروج از دبالتسف را به‌صورت سازماندهی‌شده آغاز کردند و می‌توانم بگویم تاکنون ۸۰درصد یگان‌های ما خارج شده‌اند. شورای امنیت سازمان ملل از تمامی طرف‌های درگیر در اوکراین خواست با توقف درگیری‌ها، مفاد معاهده صلح جدیدی را که تنها چهارروز از آغاز آن می‌گذرد، اجرا کنند؛ توافق آتش‌بسی که به‌سرعت نقش‌ربان شده است. این اقدام جدید اوکراین، روسیه را سردرگم کرده است، چراکه آنها تازه دیروز خواستند سربازان اوکراینی سلاح‌های خود را زمین بگذارند و با برافراشتن پرچم سفید خود را تسلیم کنند. باوجود بمباران‌های توبخانه‌ای شدید، تاکنون از دوهزار سرباز اوکراینی تنها ۳۰نفر مجروح شده‌اند.

کاش جناب سلیمین‌نمین به جناب توکلی می‌گفت: حالا که شما هم مثل آقای رجایی معتقد هستی که همه بهتر است منتظر رای نهایی دادگاه باشند، چرا صبر نکردی مهدی هاشمی و وکلای وی در دادگاه آخرین دفاعیات خود را داشته باشند بعد دست به افشاکاری بزنی؟ آیا این کار شما، نافی تدبیر دادگاه محترم مبنی بر غیرعنری بودن جلسات محاکمه مهدی هاشمی نیست؟ کاش جناب سلیمین‌نمین از او سوال می‌کرد: جناب شما که این مساله را به نطق علنی مجلس کشیدی، اگر کسی درباره پرونده خودت در دادگاه چنین می‌کرد، آیا خطاب به عتاب به او نمی‌گشودی که وقتی دادگاه رای بر محکومیت من داده، چرا مساله را به تریبون مجلس و منظر مردمی که از همه ماجرا مطلع نیستند، کشاندی؟ و به ایشان می‌گفت: آیا یک نماینده دیگر هم حق دارد بیاید و از تریبون مجلس پرونده جنابعالی را در دادگاه بکشاید؟ اگر حق ندارد- که علی‌القاعده ندارد - پس لابد مرگ برای همسایه خوب است!

جناب آقای سلیمین‌نمین، شما که از حرف‌هایی که من در نقد جناب توکلی زده‌ام چنان برآشفته‌شاید که چاره را در تار تهمت‌هایی ناروا به‌من یافته‌اید، کاش برای یک‌لحظه هم که شده پس از شنیدن نطق پر از اشتباه آقای توکلی- که این همه اشتباه از او در یک نطق انتظار نمی‌رفت- در محکومیت قطعی متهمی که هنوز دادگاه، وی را محکوم نکرده، خود را به جای مهدی هاشمی و خانواده محترم او می‌گذاشتی بعد به من چنین نامه‌ای رسانه‌ای می‌نوشتی. در پایان از صمیم دل آرزو می‌کنم خدا مرا و شما را و توکلی و مهدی هاشمی را از شر خودمان نگاه داشته و به‌دور از «عقده‌وعقیده» بر سبیل «انصاف» در رعایت حرمت آبروی دیگران ثابت‌قدم بدارد تا بدانیم معصومین ما فرموده‌اند نزد خدای بزرگ، بازی با آبروی یک یا چندمومن از تعرض به تعبه هم بالاتر است. ...

جهان

نگاه‌بیرون

نبرد ماعلیه افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

Los Angeles Times



باراک اوباما

رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده آمریکا

● ایالات‌متحده آمریکا دستاوردهای قابل‌توجهی در مبارزه با تروریسم کسب‌کرده است. ما تلفات سنگینی به هسته رهبری القاعده وارد کرده و به تقویت امنیت داخلی‌مان پرداخته‌ایم و تلاش کرده‌ایم از حمله دیگری در مقیاس حمله به ۱۱ سپتامبر جلوگیری کنیم. هم‌زمان، تهدیدات درگروگن شده است. القاعده یمن فعالانه علیه ما توطئه می‌چیند. از زمان حملات ۱۱ سپتامبر، تروریست‌ها شهروندان ایالات‌متحده را در خارج از کشور به قتل رسانده‌اند؛ مثل حمله‌ای که در بنغازی لیبی صورت گرفت. در داخل ایالات‌متحده نیز، آمریکایی‌ها در حمله به پایگاه فورت هود و ماراٹون بوستون کشته شدند. در سوریه و عراق هم گروه تروریستی داعش، غیرنظامیان بی‌گناه و گرگان‌ها را به قتل رسانده و با قتل مسیحیان مصر، بربریت خود را تا لیبی گسترش داده است. در ماه‌های اخیر ما شاهد حملات مرگباری در اتاوا، سیدنی، پاریس و کینهایک بوده‌ایم. در جای دیگری، طالبان پاکستان بیش از صداننش‌آموز و معلمانشان را قتل عام کرد. گروه الشباب هم از سومالی به سراسر شرق آفریقا حمله کرده است. در نیجریه و کشورهای همسایه‌اش، بوکوحرام مردان و زنان و کودکان را می‌ربایند و می‌کشند. برای مواجهه با این چالش، باید به‌صورت بین‌المللی و داخلی مقاومت کنیم. ما دانیم که نیروی نظامی به تنهایی این مشکل را حل نمی‌کند و نابودکردن تروریست‌هایی که غیرنظامیان بی‌گناه را می‌کشند، کار ساده‌ای نیست. ما باید با افراط‌گرایان و خشونت‌طلبی مبلغان- کسانی که نیرو استخدام می‌کنند و این گروه را توانمند می‌سازند- مقابله کنیم که ممکن است مستقیماً خود را درگیر عملیات‌های تروریستی نکنند اما دیگران را برای انجام این عملیات‌ها تحریک و جذب می‌کنند. این هفته ما گامی رو به جلو برمی‌داریم. دولت‌ها و گروه‌های جامعه مدنی بیش از ۶۰کشور دنیا برای شرکت در نشست جهانی مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در واشنگتن گردهم می‌آیند. ما در این نشست بر موضوع توانمندسازی جوامع محلی متمرکز می‌شویم. گروه‌هایی مانند القاعده و داعش تقسیری از دین را ترویج می‌دهند که اکثریت قریب‌به‌اتفاق مسلمانان جهان آن را رد می‌کنند. جهان باید به بالا بردن صدای روحانیون و عالمان مسلمان، که ماهیت واقعی صلح‌آمیز اسلام را تدریس می‌کنند، ادامه دد. ما می‌توانیم انعکاس صدای تروریست‌های سابق شویم که اکنون شهادت می‌دهند چگونه تروریست‌ها به اسلام خیانت می‌کنند. می‌توانیم با کمک به کارآفرینان مسلمان و جوانان و در همکاری با بخش خصوصی، ابزارهای رسانه‌های اجتماعی را برای مقابله با روایت‌های افراطی در اینترنت گسترش دهیم. تجربه به ما ثابت کرده که بهترین راه برای جلوگیری از افتادن مردم به‌ویژه جوانان به دام افراط‌گرایی خشونت‌طلب، حمایت از خانواده، دوستان و رهبران عقیدتی آنهاست. گروه‌هایی مانند القاعده و داعش از خشم کسانی بهره می‌گیرند که احساس می‌کنند بی‌عدالتی و فساد، شانس بهبود زندگی‌را از آنها گرفته است. جهان باید به جوانان امروز چیز بیشتری ارایه دهد. دولت‌هایی که حقوق بشر را رد می‌کنند، همدست افراط‌گرایانی می‌شوند که می‌گویند خشونت تنها راه رسیدن به تغییر است. تلاش‌ها برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تنها زمانی موفق خواهد شد که شهروندان بتوانند شکایت مشروع خود را از روند دموکراتیک دنبال و از طریق جوامع مدنی توانمند نیازهای خود را بیان کنند. این تلاش‌ها باید با توسعه اقتصادی، آموزشی و کارآفرینی همراه شود تا مردم به داشتن زندگی با کرامت امیدوار شوند. در آخر، با توجه به دروغ‌های القاعده و داعش مبنی بر جنگ ایالات‌متحده با اسلام، همه ما وظیفه داریم با حفظ ارزش‌های مشترک، آمریکا را جور دیگری تعریف کنیم. این هفته، پیروان بسیاری از ادیان از جمله مسلمانان آمریکایی به ما می‌پیوندند؛ کسانی که هرروز کمک‌های فوق‌العاده‌ای به کشور ما می‌کنند. باید یادآور شد که آمریکا به‌خاطر استقبال از افرادی با همه ذاهب و پس‌زمینه‌ها است که موفق شده است. پلورالیسم از سوی ایدئولوژی‌های منفور و افرادی با ادیان مختلف تهدید شده است. سال۲۰۱۲، ما شاهد قتل غم‌انگیزی در یک‌معبد سیک در ویسکانسین بودیم و سال گذشته هم به مرکز جامعه یهودیان در کانزاس حمله شد. ما هنوز نمی‌دانیم چرا سمنفر از جوانان مسلمان آمریکایی به‌عطر وحشیانه‌اد را «چهل‌هیل» کارولینای شمالی کشته شدند اما می‌دانیم که بسیاری از مسلمانان آمریکایی در سراسر کشور نگران هستند و ترسیده‌اند. آمریکایی‌ها با هر مذهب و زمینه‌ای باید با جامعه عازدار متحد شوند و تاکید کنند که هیچ‌کس نباید به‌عطر چهره یا کسی که می‌پرستد، مورد هدف قرار گیرد. کمپین ما برای جلوگیری از افراطی‌شدن درنهایت نبردی برای قلب‌ها و ذهن‌هاست. با نشست این هفته، ما یک‌بار دیگر نشان می‌دهیم که برخلاف تروریست‌ها که فقط مرگ و بدبختی ارایه می‌دهند، این جوامع آزاد ما هستند که راه حقیقی به سوی فرصت، عدالت و کرامت را پیشکش می‌کنند.